

یک ایران پشت خراسان



اطبای اعزامی از ترکمنستان و شوروی برای درمان زلزله زدگان



تصویری از ویرانی شیروان پس از زلزله



مریض خانه موقتی که در زمین های زلزله زده برپا شد

سیدنعیمه زینبی) صبح روز ۱۴ دی بهشت سال ۱۳۰۸ است که روزنامه‌های خبری ناخوشایند منتشر می‌کنند. اخباری از شیروان، قوچان، باجگیران، بجنورد، کلات، چناران و درگز (درج) می‌رسد که حکایت از یک زلزله سخت دارد. بیشترین اخبار با یک جمله شروع می‌شود: «دیشب

۹ ساعت از شب گذشته، زلزله سختی شد که سه دقیقه امتداد داشت؛ «اتفاقی که در روز پیش تاده است و فقط دو روز طول می کشد تا خبرش به مرکز برسد؛ زلزله ای که منجر به ساخت مهر جدید شیروان و گیفان می شود و در تاریخ ما کمتر درباره آن صحبت شده و در هزارتوی

روایت‌های مختلف روزگار، مهجور مانده است. روایت این زلزله، اتفاقات تلخ آن و کمک‌های مردم خراسان در آن دوران، موضوع گزارشی است که در روز «ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی» نوشته ایم. این روایت، برگرفته از اخبار روزنامه‌ها و جراید ۹۴ سال پیش است.

تصویب کمک برای زلزله

به چاره اندیشی برای آن می‌گذرد. فهمی، نماینده قوچان و شیروان و گیغان، پیش از شیروان و بجنورد واقع شده که قریب صد قریه را به کلی منهدم و خراب کرد و هزار تلفات برآوار مانده اند را نجات داد.»

خبر از کمک ۱۰هزار تومانی دولت می دهد و دستور کمک رؤسای منیه و نظمیة راصادر جلسه بعد، هفت روز پس از زلزله، وزیر مالیه لایحه ای برای کمک فوری به زلزله زدگان پیشنهاد می یابی از پایان اعتبار قبلی، هنوز عده زیادی بی سرو سامان و بی خوارک و دوا مانده اند. ای خراسان، در بخش های ای نامده ای دربارہ بازدیدیش از شهرهای زلزله زده به وزیر مالیه از قوجان به این طرف، تمام ادای ها خراب شده و هر چه به شیروان نزدیک تر می شوم، بعضی از روستاها اثری نمانده و مردم گرسنه زیر آسمان هستند. شهر شیروان تمام خراب باقی نمانده و مردم در محرا می خوابند. زلزله مداومت دارد و تلفات جانی هم زیاد شده. ای جزئی اگر آنچه حواله شده، بین آسیب دیدگان توزیع شود، برای حوزه گیفان و بجنورد میشت شوری عازم آن نقاط هستم، چیزی باقی نمانده ماند.

لیل کمیته برای جمع آوری کمک و اعانه در همین لایحه قرائت می شود و ۲۵ هزار تومان اضافی می کنند. البته آقا سید یعقوب اعتراض می کند و می گوید: «آقا! این چیزی نیست که ۲۰۰ هزار تومان هم درست شود و خیلی بیشتر از این ها خرج دارد. یک جای عظیم از ت. کازرونی، دیگر نامیده، در پارساخ این حرف می گوید: هرکس دلش بیشتر می سوزد، ش. را رده. هرکس راست می گوید، بیشتر بداند.»

سه رسمی، نمایندگان دورهم جمع می شوند و مبلغ ۸ هزار تومان در مجموع کمک می کنند از حقوق اردیبهشت آن ها کسر شود.



تصویر دیگری از زلزله خراسان



تصویر شیروان در روزنامه سال ۱۳۰۸ پس از زلزله

شهرهایی که لریزد

زلزله، چهره اصلی خود را
در بنجورد و شیروان نشان
می دهد و به خانه های

خشت وگلی بی دوام، دهان کجی می کند و بسیاری از آن ها را فرومی ریزد. زمین شکاف برمی دارد و صدای وحشت آوری بلند می شود. در این حادثه، تعداد زیادی بی خانمان می شوند و بی آذوقه و مأوا، سر به بیابان می گذرانند. کودکانی نیز گم می شوند و تعدادی زیر آوار می ماندند. در دکان ها و نانواپی ها ستهای است و آذوقه گم می شود. رزاعت های سر و صراحوب می شوند و کسی نیست به سرعاشان برود. اوضاع نابسامان پس از زلزله، گریبان همه شهرو روستاهای اطراف را می گیرد و آن ها را در تنگنای آوارگی و گرسنگی قرار می دهد. در بجنودان از زمان بیشتر از چهارصد دکان و ۳۵ خانه بر سر زمین آوار شده و بیشتر سقف های روستاهای اطراف، هم با خاک یکی شده است. البته آمار اولیه، در قریبه کیفان ششصد نفر، در ریاط ۲۵۰ نفر و در سرانه، ۱۵۰ نفر از آوار جان داده اند، یعنی این آمار به مرور افزایش می یابد. در شیروان اوضاع تعریفی ندارد و بیشتر از هزار تن میهمان مرگ می شوند و بسیاری از احشام تلف می سر لزه ها در روزهای بعد ادامه دارد و شش روز طول می کشد تا تکانه های زمین آرام بگیرد. آرامش زمین، تازه شروع غصه برای انسان روی آن است. هرچه از حادثه بیشتر می گذرد، عرق قاجعه انسانی نیز بیشتر می شود. در این شرایط، داده کمک بلند می شود و صدای آن به گوش جمعیت شیرخورشید سرخ می رسد. مؤسسان خیریه و صهییه نیز دست می کشند تا جلوی قاجعه انسانی را بگیرند. جمعیت شیرخورشید و نیروهای نخستین کسانی هستند که به محل حادثه می روند و قاجعه را از نزدیک می بینند؛ جایی که زنده ها از پا درآمده اند و مرده ها روی خاک مانده اند. اوضاع چند روز پس از زلزله آن قدر بد است که روزنامه اطلاعات می نویسد: «شب ها بوی تعفن از کوه ها و دهات اطراف در شهر می آید. این بوی تعفن مربوط به مواشی و اجساد می باشد که هنوز دفن نگردیده و یا از زیر خاک، بیرون نیا آمده است»؛ اتفاقی که اگر چاره ای برای آن اندیشیده نشود، بدترین شیوه امراض و بیماری می شود.

گستره زلزله از زبان تقی زاده

حسن تقی زاده، والی ایالت خراسان، ۱۵ اردیبهشت به همراه رئیس نظامیه، رئیس امنیه، رئیس کابینه حکومتی و چند طبیب وارد مناطق زلزله زده می شود و گزارش می کند: «صدمات شدید زلزله از دوفرسخی قوچان و حوالی امواج سرخ شده و در خطی که از آنجا تا شیروان و از شیروان تا رباط که قریب چهارده فرسخ است و از رباط تا گیگان و سه چهارم فرسخ بعد از آن در خط بجنود و طرف دیگر تا زیدر و جیرستان و سرایند تا نزدیک باجگیران، امتداد داشته و در دو طرف این خط از هر جانب تا ۵ الی ۱۰ فرسخ خسارت زیاد وارد شده است». مرکز زلزله که رباط است و از روستای آن به هشتصد خانواده، یک خانه هم باقی نمانده است. در بقیه نقاط زلزله مانند گیگان، جیرستان و قوشخانه نیز خانه ها همه فرو ریخته است». تقی زاده آمار کرده ها را از نزدیک ۴ هزار نفر و آمار مجروحان را نیز همین قدر اعلام می کند. نیازسنجی او به دو اصل واصل و آذوقه می رسد.

او دربار خرابی شیروان و گیفان می‌گوید: «در شیروان، خانه‌ای که سالم مانده باشد، یافت نمی‌شد. تمام مردم یا در باغچه‌های خانه‌ها منزل کرده یا در بیابان‌ها سرگردان بودند. در گیفان مخصوصاً ... آباد یک وجب بنا دیده نمی‌شد. ۱۱۰ هات میان شیروان تا گیفان نیز ویران شده و مردم آن‌ها پریشان شده‌اند. در رباط، ۳۳۰ چناه و در گیفان نیز ۳۵۰ چناه بیرون آمده است».

جالب است بدانید زلزله‌ها آن قدر مهیب بوده است که برای ادامه فعالیت‌های شهر، مجبور به ترسیم نقشه جدید می‌شوند. آن‌ها انتظار می‌کشند که مهندس از تهران بیاید و محل شهر جدید شیروان را تعیین کند. رباط با خاک یکسان شده نیز از نقاطی است که دولت به فکر می‌افتد تا آن را با نقشه و مهندسی جدید برپا کند. یکم تیرماه خبر استخدام و اعزام مهندسان برای تعیین موقعیت شهر جدید گفنا و شیروان و تهیه نقشه آن منتشر می‌شود.



رئیس ار مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات در منطقه زلزله زده

یادداشت های مسعودی؛ مسافر زلزله

مسعودی تنها روزنامه نگاری است که در مناطق زلزله زده حاضری شود و از آنجا گزارش دهد. گزارش های روزانه او به خوبی مناطق ویران شده را توصیف می کند. او در جایی می نویسد: «بدینت قرار از لانه های ویرانه دست کشیده و خانه های موقتی از علف و گلیم پاره و نمد و سبیل پیاپیان تهیه کرده اند.» قابل از اینکه یکی به کلنگ به اهالی برسد. با دست جنازه ها را بیرون نیندند و هنوز به گاه گاهی تلف شدگان بیرون می آید».

دردی در یکی از زیادداشت هایش نوشته است: «امروز جمعیت زیادی از لالی قلعه‌ای را دیدیم که قافله‌ها را دیده بودند. به تصویر کشید که او ذوقه برای آن هارسیده. از روی تپه‌ها که او قافله به طرف خانه می‌آمدند، شکاف‌های زمین باعث تعجب این گروه نگار می‌شود و در هر کوهه نیز می‌گوید: «شکاف‌های زیاد زمین از زلزله، انسان را خیره می‌کند. سه روز عرض این شکاف شد. قاچ‌های خیلی زیادی در تمام طول جاده‌ها و تپه‌ها دیده می‌شود و معلوم است تکان به قدری مهیب بوده که زمین را قیاف کزده است. در یک نقطه بی‌دود کوه، شکاف زیاد، حتی باز کرده که امتداد زیادی دارد». توصیف‌های مسعودی از رباط هم غم‌انگیز است؛ دهانی که شکیبایوار کوتاه هم از آن باقی نمانده است و ۳۲۷ نفر از جمعیت هشتصدنفره آن تلف شده‌اند. او می‌پسند: «خانه‌هایی که نزدیک صحرابودند، کمتر تلفات داده‌اند. خانواده‌ای پیدا نمی‌شود که خانه نداشته باشد. حتی فرزندان درست‌داده و دیگری مادر درو بعضی‌ها هم یک‌ه تمام‌مانده‌اند».

توصیف مسئول روزنامه اطلاعات، در شیروان یک خانه سالم دیده نمی‌شود. تنها خانه‌ها و بن‌های شیروان شده‌اند و اگرچه بقا در این شهر پیدا شود، شکسته است و قابل سکونت نیست و رستگاری از دوری یک پارچه‌ها به نظر می‌رسد. ساکنان خانه‌های بزرگ در باغچه‌ها می‌نشینند، گلیلم‌پسته و ساکنان خانه‌های کوچک، سر به پیاپان گذاشته‌اند.

ست روز پس از زلزله به چورمه می‌رسد؛ جایی که هنوز کسی سراغی از آنجا نگرفته است. روستایشان خاک است. مردم در به درش در صحرا پراکنده اند و با چند تکه چوب و تخته برای خود لانه نه‌اند.

بدی دریکی دیگر از گزارش هایش ، درباره اهمیت راه شوسه و ماشین رومی نویسد و اینکه چطور مکانات بین شهری و راه مناسب ، موجب به کام مرگ رفتن بسیاری از مردم زلزله زده شده است.

مالک رئیس صحیح که در ملکیت یک ماه حقوق خود را می بخشد و بعضی سازمان ها مانند
سینمای فردوسی، ۲۰ درصد عایدات خود را به خیرات می دهند. آن ماه کارکنان اداره های
خوارسان نیز ۲۰ درصد از حقوق خود را تقدیم خیرات می کنند. کمک هایی که از شاهزاده
ناصرالدین میرزا ملای باعانه ۲ هزار قرانی را در بر می گیرد تا مظهر سمساری با کمک ۱۰ قرانی
روزنامه اطلاعات در روزهای بعد نیز این روال را ادامه می دهد و فهرست آغانه همدان را
به کمک وکاست منتشر می کند. در کار این ها، حاج حسین ملک نیز مبلغ هزار تومان نقد و
۱۰۰ هزار حسن و بیست دستگاه می دهد. خوارسان نیز بیست و چهار می فرستد.

کشورهای دیگر مانند ترکمنستان و شوروی نیز کمک های پزشکی و دارویی است. پس از این خبر، دکتر امیراعلم می گوید: «علاوه بر هیئت صحنی که دو بار فرستاده شد، «نفر» طبیب با کلیه لوازم، دریا صبح به شیروان می شوند.» به دلیل گستردگی بیماری بازم کمک های پزشکی در صدد نیاز قرار دارد و بیست طبیب و سه بیمار به همراه دارو و دکتر امیراعلم راهی نقاط زلزله زده می شوند و با حضور آن ها پزشکان ترکمنستانی به کشورشان بازمی گردند. وزارت جنگ نیز یک بیمارستان خانۀ با طبیب و دو داروای کمک به آسیب دیدگان می فرستد. پنج طبیب مشغدی با تمام لوازم و دو جات به ریاست دکتر معاضدی، رئیس دارالشفا رضوی، از راهی مناطق زلزله زده می شوند. امیراعلم طبیب از شهرهای مختلف در روزهای آینده ادامه پیدا می کند، تاجایی که در بای پزشکان در همه روستاهای زلزله زده و گزارش روزنامه هایافت می شود. بیمارستان های موقتی نیز با چوب و پارچه در مناطق زلزله زده ساخته می شود که قسمت مردانه و زنانه و اتاق نایمنان و مطب عمومی می باشد. با سروسامان یافتن شهرهای مخروبه، دکتر امیراعلم چهل روز بعد به تهران بازمی گردد.

این افراد کمک کردند

روزنامه‌ها برای اینکه مردم را تشویق به کمک کنند و احساسات آن‌ها را به منظور کمک بازنگیزانند، فهرست افرادی را که دست به جیب می‌شوند و به تیت زلزله پولی می‌پردازند، در روزنامه منتشر می‌کنند. این میان، از نام و کلیات مجلس و رئیس کل تشکیلات نظامی هم افرادی مانند حشمت‌خاندان و مشهدی‌ای اسماعیلی و آقای حاجی حسین آقا که اکنون هیچ‌کس نمی‌داند که بوده و چه می‌کرده است، هم دیده می‌شود. بعضی افراد مانند سعدی خان،

طیب های داخلی و خارجی

از شانس‌هایی که مردم شیروان و گیغان و روستاهای اطراف می‌آورند، شاید این باشد که زلزله در اردیبهشت رخ می‌دهد و سرمای طاقت‌فرسا زمستان به جان آن‌ها نمی‌افتد. بسیاری از زلزله‌زدگان، مجروح و نیازمند خدمات پزشکی هستند، ولی نبود پزشکان و شوشه و ممکن نبودن محرومان در راه‌های روستایی، باعث می‌شود زلزله‌زدگان دیرتر از موقع برسند. دو هفته طول می‌کشد تا لوازم پزشکی به بعضی نقاط زلزله‌زده برسد و مجروحان بسیاری به دلیل نبود امکانات پزشکی، تسلیم مرگ می‌شوند. در تلگرافی که یازده روز پس از زلزله منتشر می‌شود، چنین نوشته شده است: «عده مجروحین در حوزه رباط، گیغان، زیدر و خیرآباد، چندین صنف نرسا است و به واسطه فقدان جیب و دوا و چادر هر روزه عده‌ای می‌میرند. اطبا بگریاف، مردم گرسنه و امداد کلی و فوری لازم است».

اعزام طبیب از نخستین اقدامات برای افراد نیازمند درمان است و اولین کمک‌ها از